

The Works and Services of the Abu Dulaf Family (225-284 AH); The First Shiite Imami State

Seyed Ali Hoseinpour  / Assistant Professor, History Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute
hoseinpour@iki.ac.ir

Received: 2025/01/01 - **Accepted:** 2025/02/01

Abstract

The Abu Dulaf family was an Arab dynasty with Shiite leanings who founded the first Imami state in 225 AH. The elders of this family were steadfast and fearless in expressing their religious beliefs, and they did not hesitate to confront the enemies of the Commander of the Faithful (pbuh). They traveled to Iran to find a base to fight the Umayyads and then the Abbasids and founded the city of Karaj Abu Dulaf near the modern city of Arak, a large city with an amazing structure. The unique feature of this city was its underground level, which was designed to be resistant and protected against enemy attacks. This structure remained intact for centuries, and no force was able to dominate or destroy it. Other activities of the Abu Dulaf family include cultivating flowers and plants, building dams for development, supporting Shiites, caring for the needy and the Sadat, and giving valuable gifts to Shiite poets. Relying on diverse library resources in the fields of history, biographical evaluation, geography, and genealogy, this research analyzed the data and examined the works and services of the Abu Dulaf dynasty, a government about which no independent work has been written so far.

Keywords: Works, services, Shia, Imamiyya sect, Abu Dulaf family, First Shi'i Imami state.

آثار و خدمات خاندان ابودلف (۲۲۵-۲۸۴ هجری)؛ اولین دولت شیعه امامی

hoseinpour@iki.ac.ir

سیدعلی حسین پور  / استادیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

چکیده

خاندان ابودلف سلسله‌ای عرب‌تبار با گرایش‌های شیعی بودند که در سال ۲۲۵ ق نخستین دولت امامی مذهب را بنیان نهادند. بزرگان این خاندان در بیان اعتقاد مذهبی خود استوار و بی‌پروا بودند و در مقابله با دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام تردیدی به خود راه نمی‌دادند. آنان برای یافتن پایگاهی برای مبارزه با بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس، رهسپار ایران شدند و شهر «کرج ابودلف» را در نزدیکی شهر اراک امروزی تأسیس کردند؛ شهری بزرگ با ساختاری شگفت‌انگیز. ویژگی منحصر به فرد این شهر وجود طبقه زیرزمینی آن بود که در برابر حملات دشمنان، مقاوم و محافظت‌شده طراحی گردیده بود. این ساختار قرن‌ها پابرجا ماند و هیچ نیرویی موفق به تسلط و تخریب آن نشد. از دیگر اقدامات خاندان ابودلف می‌توان به پرورش گل و گیاه، ساخت سد به منظور آبادانی، حمایت از شیعیان، رسیدگی به نیازمندان و سادات، و همچنین پرداخت هدایای ارزشمند به شاعران شیعه اشاره کرد. این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای متنوع در حوزه‌های تاریخ، رجال، جغرافیا، و انساب، به تحلیل داده‌ها پرداخته و آثار و خدمات خاندان ابودلف را بررسی کرده است؛ دولتی که تاکنون اثر مستقلی درباره آن نگاشته نشده است.

کلیدواژه‌ها: آثار، خدمات، شیعه، امامی‌مذهب، خاندان ابودلف، اولین دولت شیعی امامی.

مقدمه

این پژوهش آثار و خدمات دولت امامی مذهب خاندان ابودلف را بررسی و همچنین به اجمال حاکمان این دولت گمنام را معرفی کرده است. اصطلاح «امامیه»^۱ به شیعیان دوازده امامی اطلاق می شود که اعتقاد دارند امامان شیعه مطابق تصریح پیامبر اکرم ﷺ، دوازده تن از قریش بودند که نخستین آنها امام علی علیه السلام و آخرین ایشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.^۲

ابتدا تمام ابعاد تشیع اثنا عشری برای همگان آشکار نبود، لیکن با گذشت زمان، شیعیان به تدریج با هدایت قرآن، پیامبر و امامان علیهم السلام ابعاد این مذهب را شناختند. سرانجام، در عصر غیبت، هیچ ابهامی در این زمینه، به ویژه برای خواص باقی نماند.^۳ واژه «شیعه» از سده های نخست اسلام به تدریج به عنوان نامی برای پیروان تشیع امامی تثبیت شد، به گونه ای که فرق زبیدی و اسماعیلیه با نام های جداگانه شناخته شدند^۴ و واژه «شیعه» صرفاً بر امامیه اطلاق گردید. از اوایل قرن دوم هجری، واژه «رافضه» نیز مترادف با «امامیه» به کار رفت.^۵ در نگارش این مقاله، توجه به این کاربرد واژگان و تفکیک اصطلاحات مربوط به شیعیان امامی از سایر فرقه ها در منابع کهن مد نظر بوده است.

در این مقاله، واژه «دولت» متفاوت از «حکومت» به کار رفته است. «حکومت» فرمانروایی یک فرد بر مردم است، در حالی که «دولت» به سلسله ای از حاکمان اطلاق می گردد.

با آغاز حملات مسلمانان عرب به امپراتوری ایران در زمان خلیفه دوم، ارتش ساسانی، به رغم مقاومت سرداران برجسته، در نبردهایی به جز جنگ «جسر (پل)» شکست خورد. شکست های پی در پی موجب شد مسلمانان به داخل ایران نفوذ کنند و با گذشت زمان، تشیع نیز در شهرهای ایران طرفدارانی یافت. نخستین دولت امامی مذهب در ایران، خاندان ابودلف، حدود سال ۲۲۵ قمری شکل گرفت.

سلسله ابودلف که سکونت گاه اولیه آنها «حیره» بود،^۶ پس از گسترش اسلام به کوفه مهاجرت کردند و در آنجا به تشیع روی آوردند.^۷ در ادامه، برای مبارزه با بنی امیه وارد ایران شدند و در نزدیکی شهر اراک سکونت گزیدند. آنان

۱. در مقابل اصطلاح عام «امامیه» که نام «عموم فرقه هایی» است که به نص جلی، علی بن ابی طالب علیه السلام را جانشین پیامبر خدا ﷺ می دانند و معتقدند که امامت در فرزندان حضرت علی علیه السلام باقی است و دنیا هیچ گاه از امام خالی نیست و منتظرند یکی از علویان در آخرالزمان ظهور و دنیا را پر از عدل و داد کند (سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۵۸، مدخل «امامیه»).

۲. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ سعد بن عبدالله اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۱۰۲؛ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. ر.ک. محسن الوری، «گونه شناسی انتقادی دیدگاه ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع».

۴. ر.ک. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۴، ص ۲۷۲، ذیل ماده «تشیع».

۵. ر.ک. همان، ج ۱۰، ص ۱۵۸، ذیل ماده «امامیه».

۶. احمد بن عمر ابن رسته، العلاقات النفیسه، ص ۲۰۷. حیره منطقه ای است در شش و نیم کیلومتری شهر نجف اشرف.

۷. عبدالکریم سمعانی، الأنساب، ج ۱۱، ص ۶۶، نیز ر.ک. احمد بن عمر ابن رسته، العلاقات النفیسه، ص ۲۰۷.

تلاش‌های فراوانی برای سقوط امویان داشتند؛^۱ چنان‌که ابومسلم خراسانی، که نقش اساسی در سقوط امویان ایفا کرد، در برخی منابع، غلام یا پرورش‌یافته این خاندان معرفی شده است.^۲

با پیروزی عباسیان، خاندان ابودلف مدتی در خدمت آنان بودند، اما پس از مدتی کوتاه، برخی اعضای آن به مخالفت نظامی با عباسیان پرداختند.

با وجود نگارش کتاب‌ها و مقالات متعدد دربارهٔ دولت‌های امامی، نامی از دولت شیعی خاندان ابودلف و خدمات آنها در بسیاری از این آثار ذکر نشده است. تعداد اندکی از منابع نیز صرفاً به نام این دولت اشاره کرده‌اند یا با عباراتی مختصر از کنار آن گذشته‌اند.

برای نمونه، تاریخ تشیع، نوشتهٔ گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تشیع در تاریخ، اثر احمد رضا خضری؛ تاریخ تشیع، تألیف جمعی از نویسندگان؛ و دولت‌های شیعی در تاریخ، نوشته محمدعلی چلونگر و سیدمسعود شاهمرادی هیچ اشاره‌ای به این دولت نکرده‌اند.

کتاب تاریخ تشیع در ایران، اثر رسول جعفریان؛ و اطلس شیعه که زیر نظر رسول جعفریان تألیف شده، تنها در حد یک صفحه، آن هم در قالب یک داستان و بیان مطالب کلی، از این دولت یاد کرده‌اند.

با این تفاسیر، تاکنون اثر مستقلی که آثار و خدمات دولت امامی خاندان ابودلف را مورد بررسی قرار داده باشد، تألیف نشده است. این تحقیق تلاش دارد تا این خلأ پژوهشی را جبران کند و به‌صورت جامع، نقش و تأثیرات این دولت را تحلیل نماید.

این پژوهش با استفاده از روش تاریخی (تحلیلی - توصیفی)، آثار و خدمات خاندان ابودلف را در پنج بخش بررسی کرده است: مذهب، قلمرو، حاکمان، آثار و خدمات، و خدمات ممتاز به مکتب تشیع و شیعیان اثناعشری.

۱. مذهب

ابودلف با وجود ارتباط گسترده با خلفای عباسی، از لحاظ مذهبی شیعهٔ امامی^۳ بود و با صراحت^۴ و بی‌پروا^۵ از باورهای

۱. ر.ک. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۷، ص ۱۹۸؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۵۵؛ مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۲۶۵.

۲. مطهر بن طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۹۲؛ عبدالرحمن ابن‌خلدون، العبر، ج ۲، ص ۱۲۷؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۵۵.

۳. احمد بن محمد ابن‌خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۷۸؛ اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

۴. علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۵۱.

۵. برای نمونه ر.ک. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۷۵؛ احمد بن محمد ابن‌خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۷۸؛ اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

خود دفاع می کرد.^۱ او بارها^۲ به علت گرایش های شیعی از قدرت برکنار شد.^۳

محمد بن حسن قمی، نویسنده قرن هفتم، به نقل از مناقب الطالبین ابن مردویه (م ۴۱۰)، ابودلف را فردی معتقد به حق توصیف کرده که دشمنان امیرالمؤمنین (ع) را بی تردید به قتل می رساند. او از منتظران حضرت مهدی (ع) بود و اسبی را به قیمت سه هزار درهم خریداری کرده بود و آن را آماده ظهور نگه می داشت.^۴

این گزارش نشان می دهد که ابودلف باوجود فرقه های متعدد و مدعیان دروغین، در انتظار ظهور منجی حقیقی بوده و از باورهای انحرافی پرهیز داشته است. علاوه بر این، محمد بن حسن قمی که خود از علمای برجسته شیعه اثناعشری است، او را پیرو «مذهب حق» معرفی کرده، که تأییدی آشکار بر اعتقاد امامی او محسوب می شود.

ابودلف معتقد بود: هرکس در تشیع امامی تردید داشته باشد، از راه نامشروع به دنیا آمده است.^۵ ابن خلکان و ابن کثیر دمشقی نیز او را شیعی و اهل غلو دانسته اند،^۶ گرچه این تعبیر از منظر اهل حدیث به معنای پیروی تام از امامان است و نه غلو در عقاید.^۷ همچنین دعبل خزاعی، شاعر معروف شیعه، با او مراوده داشته و در اشعارش از او ستایش کرده است.^۸

فرزند ابودلف، «صقر»، از شیعیان امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بود و روایات متعددی از وی مطابق فرهنگ شیعه باقی مانده است؛ از جمله احادیثی درباره بطلان تجسیم خداوند از زبان امام هادی (ع) و امام رضا (ع)،^۹ شمارش امامان دوازده گانه شیعه (ع)،^{۱۰} روایاتی در توصیف امام مهدی (ع) از زبان امام هادی (ع) و امام جواد (ع)،^{۱۱} توصیه به زیارت امام رضا (ع) از زبان امام جواد (ع)،^{۱۲} حدیثی که به صراحت بر امامت ائمه (ع) پس از امام هادی (ع) دلالت دارد. در این

۱. با این همه یکی از محققان معاصر درباره تشیع او می نویسد: تشیع وی بیش از همه به معنای داشتن نوعی موالات نسبت به اهل بیت (ع) بود (رسول جعفریان، اطلس شیعه، ص ۲۰۲).
۲. برای نمونه، در عصر هارون، ر.ک. ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۹، ص ۱۳۱؛ در عصر معتصم، ر.ک. همان، ج ۴۹، ص ۱۳۱؛ برای تأخیر در عمل به دستور مأمون، ر.ک. همان، ج ۴۹، ص ۱۳۳.
۳. خلیل بن ایوب صفدی، تحفه ذوی الالباب فیمن حکم بدمشق من الخلفاء و الملوک و النواب، ص ۲۲۳.
۴. محمد بن حسن قمی، العقد النضید و الدر الفرید، ص ۱۳۰.
۵. عبدالحی بن احمد العکری ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۱۶؛ احمد بن یحیی ابن فضل الله عمری، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ج ۱۰، ص ۱۴۹؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.
۶. احمد بن محمد ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۷۸؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.
۷. صائب عبدالحمید، معجم مورخی الشیعه، ج ۲، ص ۴۳.
۸. سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۶۶، ذیل عنوان «ابودلف عجلی».
۹. «... إنه ليس منا من زعم أن الله جسم...» (محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۳۵۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۵).
۱۰. محمد بن علی صدوق، الخصال، ص ۲۵۹؛ همو، معانی الاخبار، ص ۱۳۳.
۱۱. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۸.
۱۲. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۶۸۴؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۹۳.

نص به امامت امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت حجت علیه السلام تصریح شده و آمده است که حضرت حجت علیه السلام پس از آنکه وجود و امامت ایشان توسط بسیاری انکار می‌شود، خواهد آمد.^۱

منابع تاریخی جزئیات دقیقی درباره جایگاه و موقعیت سیاسی صقر ارائه نکرده‌اند، اما برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که او ارتباط گسترده‌ای با دربار خلفا داشته و نزد کارگزاران حکومت فردی شناخته شده بوده است.

بر اساس یکی از گزارش‌ها، رازقی که مسئول دربانان متوکل عباسی بوده، از گرایش مذهبی صقر به امامیه اطلاع داشته است.^۲ این موضوع نشان می‌دهد که باورهای امامی او در میان افراد حاضر در دستگاه خلافت نیز آشکار بوده و شاید همین امر، تعاملات سیاسی او را تحت تأثیر قرار داده باشد.

دومین حاکم این سلسله، عبدالعزیز بن ابودلف، از شیعیان امام حسن عسکری علیه السلام بود؛ چنان که یکی از شیعیان برای فرار از ظلم او، از امام حسن عسکری علیه السلام درخواست کمک کرد.^۳

یعقوب بن یزید، کاتب ابودلف از راویان ثقه شیعه بود.^۴ غلام ابودلف به نام «سعد» نیز از راویان احادیث امام رضا علیه السلام بود و مسائلی به نقل از امام رضا علیه السلام از وی نقل شده است.^۵

مامقانی می‌نویسد: عبارت شیخ طوسی و نجاشی درباره وی حاکی از امامی بودن اوست.^۶ با آنکه منابع بارها نام بستگان ابودلف را آورده‌اند، اما در میان آنان تنها به نام یکی از فرزندان او به نام «دلف» اشاره کرده‌اند که شیعه نبوده است. ابودلف نیز زمانی که شنید فرزندش آشکارا با امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت می‌ورزد، اعتراف کرد که او مولودی نامشروع است.^۷ همچنین از نسل ابودلف و طایفه عجلای، در قرن ششم، علمای امامی مذهب برجسته‌ای ظهور کردند که منتجب‌الدین در کتاب *الفهرست* از آنان یاد کرده است.^۸

۱. «حدثنا الصقر ابن أبي دلف قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي الرضا علیه السلام يقول: ... إن من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر. فقلت له: يابن رسول الله! لم سمى القائم؟ قال: لأنه يقوم بعد موت ذكره و ارتداد أكثر القائلين بإمامته. فقلت له: و لم سمى المنتظر؟ قال: لأن له غيبة يكثر أيامها و يطول أمدها، فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون و يستهزئ بذكره الجاحدون، و يكذب فيها الوقتون، و يهلك فيها المستعجلون و ينجو فيها المسلمون» (محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۸؛ ابوالقاسم علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۸۳).

۲. محمد بن علی صدوق، الخصال، ص ۳۹۵؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۸۲. خزاز قمی این واقعه را به خود متوکل نسبت می‌دهد که درست به نظر نمی‌رسد (ابوالقاسم علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۸۹).

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۹.

۵. احمد بن علی نجاشی، رجال التجاشی، ص ۱۷۹؛ احمد بن محمد برقی، کتاب الرجال، ص ۱۷۰؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، معالم العلماء، ص ۵۴.

۶. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۱.

۷. «هو و الله لزنیه و حیضه...» (علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۷۵؛ احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۷۸؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایة و النهایه، ج ۱۰، ص ۲۹۴؛ محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۹۴).

۸. برای نمونه ر.ک. منتجب‌الدین بن بابویه، فهرست منتجب‌الدین، ص ۳۵ و ۸۵ و ۹۷ و ۱۲۵.

۲. قلمرو

این دولت در اوج اقتدار خود موفق شد از شرق، شهرهای قم، دلیجان و اصفهان؛ از جنوب، شهرهای شمالی استان خوزستان؛ از غرب، کرمانشاه و حلوان (تا نزدیکی قصر شیرین)؛ و از شمال، ابهر و سلطانیه را تحت نفوذ خود درآورد. این مناطق بخش قابل توجهی از قلمروی را شامل می‌شود که در منابع کهن با عنوان «عراق عجم» شناخته شده است.

۳. حاکمان

در این سلسله، پنج تن به قدرت رسیدند:

الف. ابودلف قاسم بن عیسی (۲۲۵-۲۲۶ق)

وی ابودلف قاسم بن عیسی بن ادریس بن معقل بن سیار بود. واژه «دلف» به معنای لشکری است که هنگام نبرد پیشروی می‌کند.^۱ منابع، ابودلف را حاکمی شجاع، قهرمان، ادیب، بخشنده و بزرگ‌منش معرفی کرده‌اند. وی دارای همتی بلند، اخلاقی نیکو، اشعاری ناب و صدایی خوش بود.^۲

ابوالفرج اصفهانی جایگاه ابودلف را از لحاظ شجاعت، وجاهت در دربار پادشاهان، تسلط بر ادبیات عرب و شعرسرایی ممتاز دانسته است.^۳ سایر منابع نیز او را فرماندهی مقتدر، بزرگ و سرور خاندان خود،^۴ اهل جود و کرم،^۵ سوارکاری شجاع و بالبهت، سیاستمداری مقتدر، کریمی ستوده و شاعری خوش ذوق^۶ وصف کرده‌اند. ابن حجر می‌نویسد: گزارش‌های مربوط به سخاوت و شعر او مشهور است.^۷

ابن ندیم نیز او را صاحب تصنیفات متعددی، همچون *سیاست الملوک*، *البزاة و الصيد*، *السلح*، *النزة*، *الجوارح و اللعب* بها معرفی کرده است.^۸

ابودلف در سال ۲۲۶ قمری از دنیا رفت.^۹ پس از مرگ او تا سال ۲۵۲ قمری نامی از خاندان وی در منابع تاریخی دیده نمی‌شود که شاید علت آن ناتوانایی فرزندان او در حفظ جایگاه سیاسی و اجتماعی نزد خلفا باشد.

۱. علی اکبر برقی، راهنمای دانشوران، ج ۱، ص ۲۸۱. نیز رک. احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۷۸.

۲. احمد بن عبدالوهاب نویری، نهایة الارب، ج ۴، ص ۲۳۱.

۳. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۸، ص ۳۹۴.

۴. محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۳۰.

۵. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۴۱۲؛ یوسف مزی، تهذیب الکمال، ج ۲۳، ص ۴۰۳.

۶. محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۶۳.

۷. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۹۴.

۸. محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۳۰ و ۳۷۷؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

۹. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۴۱۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۹، ص ۱۴۹.

ب. عبدالعزیز بن ابی دلف (۲۵۲-۲۵۷ق)

با قدرت یافتن ترکان و ضعف خلافت عباسی، حکومت‌های مستقل در سراسر قلمرو عباسیان شکل گرفتند. در این شرایط، عبدالعزیز بن ابی دلف توانست بار دیگر قدرت را در منطقه جبال به دست گیرد. او برای کسب مشروعیت، خلعتی نزد خلیفه عباسی ارسال کرد^۱ و تأیید گردید، اما پس از مدتی قدرت وی افزایش یافت و از اطاعت خلیفه خارج شد.^۲ وی چندین بار با سپاه المعتز عباسی جنگید، اما تاریخ درباره چگونگی مرگ او سکوت کرده است.

ج. دلف بن عبدالعزیز بن ابی دلف (؟-۲۶۵ق)

نامشخص بودن سرنوشت پدر، تاریخ دقیق به قدرت رسیدن وی را نیز نامعلوم کرده است. به نظر می‌رسد «دلف» پس از رسیدن به قدرت، تسلط خود را بر اغلب مناطق جبال تثبیت کرده باشد. گزارش‌های اندک موجود، حضور او در اصفهان، قزوین^۳ و دینور^۴ را نشان می‌دهد. او در سال ۲۶۵ قمری، در شهر اصفهان توسط یکی از اطرافیان خود به قتل رسید.^۵

د. احمد بن عبدالعزیز بن ابی دلف (۲۶۵-۲۸۰ق)

دوران حکومت احمد مصادف با ضعف خلافت عباسی بود. در این دوران، حکومت‌های محلی متعددی در شرق قلمرو عباسیان ظهور کردند و دولت خاندان ابودلف را تهدید می‌کردند. احمد گاه با این دولت‌ها درگیر می‌شد^۶ و گاه با خلافت عباسی^۷ مقابله می‌کرد، اما توانست تا پایان خلافت معتمد عباسی^۸ حاکم جبال باقی بماند. پس از آن، خلیفه جدید عباسی، معتمد، نه تنها حکومت احمد را حفظ کرد، حتی قلمرو او را تا ری و گرگان گسترش داد.^۹ احمد در سال ۲۸۰ قمری درگذشت.^{۱۰}

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۹، ص ۳۷۲؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۱۷۶؛ عبدالرحمن ابن‌خلدون، العبر، ج ۳، ص ۳۷۰.
۲. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۲.
۳. عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، التدوین فی اخبار قزوین، ج ۱، ص ۴۹.
۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۹، ص ۵۳۳؛ اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۶.
۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۹، ص ۵۴۳. گفتنی است: ابن‌اثیر (کامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۳۲۷) و ابن‌کثیر (البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۷) نام او را «قاسم بن مهابة» ثبت کرده‌اند.
۶. برای نمونه رک. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۹، ص ۵۴۹؛ احمد بن محمد ابن‌مسکویه رازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۵۲؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۳۳۳.
۷. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۹، ص ۵۷۱؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۳۶۲؛ عبدالرحمن ابن‌خلدون، العبر، ج ۳، ص ۴۲۸.
۸. مرگ «موفق» در سال ۲۷۸ قمری بود (عبدالرحمن ابن‌خلدون، العبر، ج ۳، ص ۴۳۱) و تنها چند ماه پس از او، برادرش «معتمد» عباسی در سال ۲۷۹ قمری مرد (همان، ص ۴۳۲).
۹. همان، ص ۴۳۱؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۱۰، ص ۳۱؛ عبدالرحمن بن علی ابن‌جوزی، المنتظم، ج ۱۲، ص ۳۳۶؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۴۵۷.
۱۰. ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۴۵۷؛ عبدالرحمن ابن‌خلدون، العبر، ج ۴، ص ۴۲۷.

ابن ندیم درباره احمد می نویسد: احمد مردی اهل فلسفه، ماهر در نجوم، نژادپرست و کینه توز نسبت به عباسیان بود. او بر اساس قواعد فلکی، پیش بینی می کرد که در قرن هشتم حکومت به ایرانیان خواهد رسید و امید داشت او زمینه ساز این تحول باشد.^۱

هـ. عمر بن عبدالعزيز بن ابی دلف (۲۸۰-۲۸۴ق)

پس از مرگ احمد، برادرش عمر به حکومت رسید.^۲ این امر با مخالفت سایر برادران وی، بکر و حارث، مواجه شد و درگیری میان آنان، ضعف خاندان ابودلف را در پی داشت و موجب حملات حکومت های همجوار شد.^۳ عمر بارها در برابر حملات معتضد عباسی مقاومت کرد، اما در نهایت تسلیم شد و به بغداد رفت.^۴ خلیفه برای او منزلی در کنار رودخانه بغداد آماده کرد و او را در آنجا اسکان داد.^۵ پس از این واقعه، هیچ گزارشی درباره زندگی او در منابع تاریخی ثبت نشده است و با این شکست، حکومت این خاندان به پایان رسید.

۴. آثار و خدمات فرهنگی و تمدنی

الف. شهرسازی

نخستین بار، عیسی بن ادریس عجلی، پدر ابودلف، به منطقه ای در نزدیکی اراک امروزی مهاجرت کرد. او این منطقه را توسعه داد^۶ و حصار آن را مقاوم ساخت. وی نام «کرج» را برای آن برگزید. در میانه کار، عمرش کفاف نداد و ابودلف کار او را به پایان رساند.^۷

ابودلف پس از درگذشت پدر، کار شهرسازی را ادامه داد و کرج ابودلف را به مرکز حکومت خود تبدیل کرد. این شهر با ساختاری وسیع، بازارهای متعدد، قصرهای باشکوه و معماری منحصربه فرد، یکی از مراکز مهم آن دوران محسوب می شد. منابع آن را این گونه توصیف کرده اند: بزرگی آن یک فرسخ (حدود پنج و نیم کیلومتر) با دو بازار در دو سوی شهر است^۸ و ساختمان هایی دارد همانند کاخ و قصرهایی که وسیع و پراکنده اند.^۹

۱. محمد بن اسحاق ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۴۰.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۴۶۴.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱۰، ص ۳۳.

۴. همان؛ ابن مسکویه رازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۵۰۵.

۵. ابن مسکویه رازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۵۰۵.

۶. عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۱، ص ۶۶.

۷. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

۸. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۴۶.

۹. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۴۶؛ احمد بن محمد ابن فقیه، البلدان، ص ۵۲۹.

ب. آبرسانی و سدسازی

خاندان ابودلف در توسعه مناطق تحت نفوذ خود، اهتمام ویژه‌ای به آبرسانی داشتند. عیسی بن ادریس در ابتدای ساخت شهر کرج، آب را از مناطق اطراف به این شهر منتقل کرد^۱ و موجب رونق کشاورزی و آبادانی شد. یعقوبی در این باره می‌نویسد: شهر بین چهار کوه قرار گرفته است. همگی این کوه‌ها با مزارع و املاک آباد شده و رودها به هم پیوسته و چشمه‌های متعدد در آنها جاری است.^۲

سدسازی نیز یکی دیگر از خدمات این خاندان بود. دلف بن عبدالعزیز بن ابی دلف العجلی، سومین امیر این سلسله، پس از تسلط بر قزوین، به‌منظور توسعه منطقه، سد «دُهْل‌بند» یا «دُلف‌بند» را احداث کرد و تا تکمیل آن در منطقه سکونت داشت.^۳

ج. پرورش گل و گیاه

خاندان ابودلف پس از تسلط بر اصفهان، قصرهای متعددی در این شهر بنا کردند. آنان برای زیباسازی قصرها، باغ‌ها و بوستان‌های متعددی ایجاد کردند که علاوه بر افزایش آبادانی شهر، پرورش انواع گل و گیاه را در منطقه توسعه داد.

د. استحکامات دفاعی منحصربه‌فرد

بیشتر حاکمان می‌کوشیدند با ساخت استحکامات دفاعی از قلمرو خود محافظت کنند. این اقدامات شامل ایجاد قلعه‌های مستحکم، حفر مجاری آب در اطراف قلعه‌ها، و موانع طبیعی بود. با این حال، خاندان ابودلف علاوه بر این اقدامات رایج، ابتکارات دفاعی منحصربه‌فردی داشتند.

ابودلف، بنیان‌گذار این سلسله، شهر را به گونه‌ای طراحی کرد که در برابر حملات دشمنان مقاوم باشد. ریشه این تصمیم را باید در تجربه خاندان و عملکرد نیاکان او جست‌وجو کرد. سرسلسله این خاندان، ابودلف قاسم بن عیسی عجلی که از تیره بنی عجل - شاخه‌ای از بنی بکر بن وائل - بود، در نبرد «ذوقار» میان عرب‌ها و ایرانیان شرکت داشت^۴ و بعدها به کوفه مهاجرت کرد.^۵

اقامت او در کوفه زمینه گسترش گرایش‌های شیعی و اندیشه خروج بر امویان را فراهم ساخت. از این رو همراه خاندان خود به منطقه جبال کوچ کرد^۶ و به غارت اموال ارسالی به دربار امویان پرداخت.^۷ سرانجام، در حکومت هشام

۱. عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۱، ص ۶۶.

۲. احمد بن اسحاق یعقوبی، البلدان، ص ۸۳-۸۴.

۳. ر.ک. عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی، التذوین فی أخبار قزوین، ج ۱، ص ۴۹-۵۰.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵. عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۱، ص ۶۶ و نیز ر.ک. احمد بن عمر ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۰۷.

۶. احمد بن عمر ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۰۷. منطقه «جبال» شامل همدان، دینور، اصفهان، قم، کاشان و ری بود (مطهر بن طاهر مقدسی،

احسن التقاسیم، ص ۳۸۴).

۷. ر.ک. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۲۵۵. به این علت، حکومت اموی آنان را متهم به راهزنی نمود.

بن عبدالملک، توسط والی عراق، یوسف بن عمر ثقفی، دستگیر و زندانی شد.^۱
نداشتن پایگاهی مستحکم در برابر امویان و دیگر دشمنان امامیه، موجب شد فرزند او، عیسی بن ادریس عجل، ساخت شهر کرج را آغاز کند.^۲ این شهر، علاوه بر مرکزیت سیاسی، کانونی برای مبارزه با امویان بود.^۳
مورخان ویژگی‌های استحکامات دفاعی شهر را این گونه توصیف کرده‌اند:

ابودلف در محال فراهان از اعمال قم دو شهر بنا کرده: یکی در زیر زمین و دیگری بر فراز آن خاک. زیر را بر بالا آورده، بنای شهری نهاده و زیر زمین را خالی ساخته، عمارات و بیوتات و مساجد و معابد و داکین و کوچه و بازار در کمال تمانت بنیاد نهاده؛ چنان که اطراف آن سه فرسخ مسافت و وسعت دارد و از هر خانه زیرین به خانه فرازین سوراخی و راهی گذاشته که هم مایه روشنایی خانه زیرین شود و هم وقت ضرورت و غلبه سپاه اعدا هر یک به شهر زیرین گریخته، از تطارق و تسارق طارق و سارق مصون و محصون باشند و نام شهر را به مناسبت نام خود «دلف‌آباد» نهاد. و چون به قاعده قدیمه پارسیه، دال را منقوط می‌کرده‌اند، به مرور ایام، «دلف‌آباد» شهرت نموده. علی ای حال، مردم و اهالی دلف‌آباد در هنگام مغلوبیت به شهر نهائی زیر زمین می‌گریزند و بیگانه در آنجا راه ندارد، و اگر رود بازگشتن نیارد.^۴

در قرن سیزدهم هجری، ساکنان کرج ابودلف، به سبب اقدامات ضدحکومتی، مورد محاصره نیروهای فتحعلی شاه قاجار قرار گرفتند.^۵ با فرار ساکنان، شهر سطح زمین تخریب شد، اما نیروهای قاجار نتوانستند به شهر زیرزمینی آسیبی وارد کنند، و این بنا همچنان استوار باقی ماند.^۶

۱. لازم به ذکر است که منابع اقوال گوناگونی درباره علت و چگونگی زندانی شدن او نقل کرده‌اند (احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۰۶؛ اسماعیلی بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۱۵، ص ۴۱). اما با توجه به مطالب ارائه شده، قول مشارالیه (احمد بن عمر ابن رسته، الاعلاق النقیسه، ص ۲۰۷) نزدیک تر به واقع به نظر می‌رسد. در تعداد زیادی از منابع کهن، ابومسلم خراسانی که نقشی عمده در سقوط امویان داشت، غلام خادم یا پرورش یافته این خاندان معرفی شده است (مطهر بن طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۹۲؛ عبدالرحمن ابن خلون، العبر، ج ۳، ص ۱۲۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۵۵). نیز ر.ک. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۲۰۸). پس از پیروزی عباسیان و روشن شدن ماهیت آنان، «خراب بن عیسی»، برادر ابودلف، اولین شخص از این خاندان بود که در نوجوانی در بلاد جبل بر هارون الرشید شورید، ولی ناکام ماند و کشته شد (مفضل بن سعد مافروخی، ترجمه محاسن اصفهان، ص ۱۱۴). به مرور زمان، خاندان ابودلف متوجه شدند تاب مقاومت در برابر عباسیان ندارند. در نتیجه، با آنان از در سازش در آمدند.

۲. عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۱، ص ۶۶.
۳. بستان ابودلف قاسم بن عیسی برای سرنگونی امویان بسیار کوشیدند. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره ر.ک. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۷، ص ۱۹۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۵۵؛ مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۲۶۵.

۴. محمد بن خوندشاه میرخواند، تاریخ روضه الصف، ص ۶۸۵. وی در ادامه می‌نویسد: «مردم شهر را با "ایمانی‌خان" حاکم فراهان یابی شدند و گماشته او را راندند و به راهزنی قوافل پرداختند. یوسف‌خان سپهدار عراق ماجرا بر پیشگاه خسرو آفاق عرضه کرد. عبدالله‌خان گرجی یوزباشی غلامان شاهیسون و خزل و پیاده خلج و ساوه به تدمیر آن گروه سوارخوای مأمور شدند. هشتصد (۸۰۰) نفر از آنان استعداد کرده، برابر سپاه آمده مغلوباً به سوراخ‌های زیر زمین گریختند. سپاه مأموره اطراف شهر آنها را مسدود کرده، نشستند تا از فقط آرزو استیمان جستند و بیرون آمده، فرار کردند و متفرق شدند و شهر و خانه ایشان را خراب کردند. آن بوم اکنون مخصوص بومان است، ولی شهر زیر زمین هنوز برقرار است و خرابی آن کاری بس دشوار».

۵. در این باره در منابع آمده است: «مردم و اهالی دلف‌آباد شریب و مشهورند و غالباً با حکام به منازعه برمی‌خیزند و در هنگام مغلوبیت، به شهر نهائی زیر زمین می‌گریزند و بیگانه در آنجا راه ندارد، و اگر رود بازگشتن نیارد» (میرخواند، تاریخ روضه الصف، ص ۶۸۵).

۶. میرخواند، تاریخ روضه الصف، ص ۶۸۵.

هـ. حمایت از سادات

حاکمان این سلسله توجه ویژه‌ای به حمایت از سادات داشتند و گاه کمک‌های آنها موجب بی‌نیاز شدن کامل علویان از لحاظ مالی می‌شد.

در منابع تاریخی، نمونه‌هایی از حمایت ابودلف قاسم بن عیسی (م ۲۲۶ق) از سادات ذکر شده است: هنگامی که ابودلف در بستر بیماری بود، اطرافیان وی از دیدار مردم با او جلوگیری می‌کردند. در روزی که بیماری او اندکی بهبود یافت، از دربان خود پرسید: آیا کسی نیازمند کمک به درگاه ما آمده است؟ دربان پاسخ داد که ده تن از شریفان (سادات علوی) از خراسان وارد شده‌اند. ابودلف آنان را فراخواند و از احوال ایشان و شهرهای ایشان و علت آمدن آنها پرسید. آنان اظهار داشتند که سختی‌های بسیاری متحمل شده‌اند و با شنیدن کرم و سخاوت تو، به امید کمک به نزد تو آمده‌ایم.

ابودلف دستور داد بیست کیسه هزاردیناری از خزانه بیرون آورند و به هر کدام دو کیسه عطا کرد. علاوه بر این، هزینه سفر آنان را نیز جداگانه پرداخت و توصیه کرد که از کیسه‌های دینار خرج نکنید و آنها را دست‌نخورده به خانواده‌های خود برسانید. سپس از آنان خواست نام و نسب خود را تا علی بن ابی‌طالب و حضرت فاطمه علیهم‌السلام بنویسند و این عبارت را ثبت کنند: «ای پیامبر خدا! من در شهر خود دچار تنگدستی و بدحالی شدم و روی به ابودلف عجلی آوردم. او دوهزار دینار به خاطر بزرگواری، طلب خرسندی و امید به شفاعت تو به من عطا نمود».

پس از دریافت این اسناد، ابودلف به متولی کفن و دفن خود سفارش کرد که این اوراق را همراه با او دفن کند تا در روز قیامت، آنها را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارائه دهد.^۱

احمد بن عبدالعزیز (م ۲۸۰ق)، از دیگر حاکمان این سلسله، نیز احترام خاصی به سادات می‌گذاشت. منابع تاریخی دربارهٔ برخورد او با موسی مبرقع، فرزند امام جواد علیه‌السلام، آورده‌اند:

اول کسی که از سادات رضویه از کوفه به قم آمد، ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام بود. وی در سنهٔ ست و خمسين و مائین از کوفه به قم آمد و به قم مقام کرد و پیوسته بُرقع بر روی فرو گذاشتی تا آن‌گاه که عرب قم به او پیغام فرستادند که تو را از مجاورت و همسایگی ما بیرون می‌باید رفتن. پس ابوجعفر موسی بن محمد از قم به کاشان رفت. چون به کاشان رسید، احمد بن [عبدالله] عزیز بن دلف العجلی او را اکرام کرد و ترحیب نمود و خلعت‌های بسیار و بارگیرهای نیکو و چندین تجمل بدو بخشید و مقرر گردانید که هر سال یک‌هزار مثقال طلا با یک سر اسب مسرّج به او دهد.^۲

و. حمایت از شیعیان امامی و شاعران

پناه دادن به شیعیان امامی که از ظلم خلفای عباسی می‌گریختند، یکی از اقدامات برجستهٔ خاندان ابودلف بود. یکی از مشهورترین شخصیت‌هایی که نزد این خاندان پناه گرفت، دعبل خزاعی بود.

۱. احمد بن محمد ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۷۸-۷۷.

۲. محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ص ۲۱۵-۲۱۶.

دعبل خزاعی به سبب زبان تند و اشعار انتقادی خود علیه دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، همواره در حال گریز و سفر بود. سرانجام، نقدهای تند او علیه خلفای عباسی منجر به شهادت وی شد. در این زمینه، احمد بن مدبر نقل می‌کند: دعبل را ملاقات کردم و به او گفتم: «تو زبان زنده‌ای داری!» و سخنانی را که دربارهٔ مأمون گفته بود، به او یادآور شدم. در پاسخ گفت: «مدت چهل سال است که دار خود را به دوش گرفته‌ام و هنوز کسی را نیافته‌ام که مرا بر آن بیاویزد». دعبل به سبب ترس از مأمون، نزد ابودلف عجلی امامی مذهب پناه گرفت. روزی یکی از افراد نزدیک به مأمون، شعری از دعبل دربارهٔ ابراهیم، عموی مأمون، در حضور خلیفه خواند. مأمون پس از شنیدن شعر، گفت: «ما دعبل را از هر آنچه علیه ما گفته، بخشیدیم». سپس نامه‌ای مبنی بر امان دادن به دعبل نگاشت.^۱

دعبل با این امان نامه به مجلس مأمون رفت. مأمون از او خواست که قصیده‌ای را که هنگام شنیدن خبر شهادت امام رضا (علیه السلام) در قم سروده بود، برای وی بخواند. دعبل ابتدا از خواندن شعر امتناع کرد، اما مأمون بر درخواست خود اصرار ورزید و مجدداً بر اعطای امان به او تأکید کرد. سرانجام، دعبل قصیده را خواند. این شعر به غصب خلافت اشاره داشت و در ذم هارون الرشید آمده بود: «بهترین خلق خدا در کنار بدترین آنان آرمیده است. پاکی از نزدیکی به ناپاکی زبانی نمی‌بیند، و ناپاک از نزدیکی به پاکی سودی نمی‌برد».

مأمون پس از شنیدن شعر، عمامه‌اش را از سر انداخت و گفت: «به خدا سوگند که راست گفتی، دعبل!»^۲

خاندان ابودلف نه تنها از شیعیان و سادات حمایت می‌کردند، بلکه به شاعران شیعه نیز توجه ویژه‌ای داشتند. هدایا و حمایت‌های ابودلف به حدی سخاوتمندانه بود که نام او را در شمار بخشندگان بزرگ عرب ثبت کرده‌اند و شاعران زیادی به دربار او روی آوردند. از جمله شاعرانی که مورد لطف این خاندان قرار گرفت، می‌توان به ابوتام حبیب بن اوس طائی،^۳ دعبل خزاعی، ابوالشعیب محمد بن عبدالله بن رزین،^۴ و جعفران موسوس^۵ اشاره کرد.

۱. حسن صدر، شیعه؛ بنیانگذاران فرهنگ اسلام، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۲. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۳. در تمایلات شیعی ابوتام تردیدی نیست. احمد بن علی نجاشی به امامی بودن وی تصریح دارد و می‌نویسد: «ابوتام نه تنها دربارهٔ اهل بیت (علیهم السلام) اشعاری سروده، بلکه ابن غضائری نسخهٔ کهنی از دوران ابوتام و یا عصر نزدیک به او را دیده بود که در ضمن آن شاعر قصیده‌ای دارد که در آن نام امامان شیعه (علیهم السلام) تا امام جواد (علیه السلام) را ذکر کرده بوده است. ابوتام در زمان حیات امام جواد (علیه السلام) درگذشت» (احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۴۱). ابوتام سال ۲۳۱ ق درگذشت.

۴. او پسر عموی دعبل خزاعی و از بزرگان شعر و ادب بود. دربارهٔ او و زندگانی‌اش، ر.ک. سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۶۰۱.

۵. جعفران بن علی بن اصراف انبای ملقب به «موسوس» (به معنای مجنون)، او و پدرش از شیعیان منطقه کرخ بغداد بودند. پدرش خدمت امام کاظم (علیه السلام) می‌رسید و پس از ایشان بسیار به دیدار امام رضا (علیه السلام) می‌رفت (ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۳۴۰؛ نیز ر.ک. عمرو بن بحر جاحظ، البیان و التبیین، ص ۳۲۶). جعفران غالباً در مقابل گرفتن درهمی، فی البداهه شعری می‌سرود که صاحب درهم سفارش می‌داد شخصی خواست او

نتیجه گیری

نخستین دولت امامی مذهب در ایران، به نام خاندان ابودلف در حدود سال ۲۲۵ قمری شکل گرفت. این سلسله، عرب تبار و ساکن اولیه شهر «حیره» بودند. آنان پس از گسترش اسلام، به کوفه مهاجرت کردند و در آنجا به تشیع گرایش یافتند. سپس برای یافتن پایگاهی در مبارزه علیه امویان، به ایران آمدند و در نزدیکی شهر اراک امروزی سکونت گزیدند. آنان برای سقوط امویان تلاش های فراوانی کردند. بزرگان آنها در بیان عقاید مذهبی خود استوار و بی پروا بودند و در مقابله با دشمنان امیرالمؤمنین (ع) تردیدی به خود راه نمی دادند.

با پیروزی عباسیان، خاندان ابودلف به خدمت آنان درآمدند، اما پس از مدت کوتاهی، برخی از اعضای آن به مخالفت نظامی با عباسیان پرداختند.

خاندان ابودلف شهر «کرج ابودلف» را بنا کردند؛ شهری بزرگ، باشکوه و دارای ساختاری شگفت انگیز. ابودلف این شهر را به صورت دو طبقه و کاملاً مشابه ساخت. مردم در طبقه سطح زمین زندگی می کردند و هنگام حمله دشمنان، به طبقه زیرزمینی پناه می بردند؛ مکانی که تا قرن ها از دید دشمنان مخفی ماند و هیچ نیرویی قادر به تخریب آن نشد.

حکومت خاندان ابودلف علاوه بر مدیریت سیاسی، در برخی مناطق به پرورش گل و گیاه پرداخت. ساخت سد برای آبادانی و گسترش کشاورزی نیز از دیگر اقدامات مهم آنان بود.

چون این خاندان امامی مذهب بودند، پناه دادن به شیعیان، کمک به نیازمندان و سادات، و حمایت از شاعران شیعه را در دستور کار خود قرار دادند.

منابع

- الویری، محسن، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، ۱۳۹۱، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، ش ۸.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر، تحقیق خلیل شحاده، چ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲ م.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد العکری، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الأرنؤوط، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق.
- ابن فضل‌الله عمری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، تحقیق مصطفی مسلم و ابراهیم صالح ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۴ ق.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، کتاب البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶ ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، چ دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۹۶۳ م.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، تحقیق نعیم زرزور، بی‌جا، المکتبه العصریه، ۱۴۲۶ ق.
- امین، سیدحسن، دائرةالمعارف الاسلامیه الشیعه، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.
- برقی، علی اکبر، راهنمای دانشوران در ضبط نام‌ها، نسب‌ها و نسبت‌ها، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۴.
- برقی، احمد بن محمد، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
- تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، علم، ۱۳۸۷.
- جعفریان، رسول، اطلس شیعه، چ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
- جمعی از نویسندگان، تاریخ تشیع، زیر نظر احمدرضا خضری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- چلونگر، محمدعلی و شاهمادی، سیدمسعود، دولت‌های شیعی در تاریخ، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، چ دوم، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، خیام، ۱۴۰۱ ق.
- خضری، احمدرضا، تشیع در تاریخ، قم، معارف، ۱۳۹۳.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

- دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زیر نظر سيد محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ١٣٧٤.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق اكرم البلوشي و شعيب الأرناؤوط، چ نهم، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
- رافعي قزوینی، عبدالکريم بن محمد، التدوين فی اخبار قروين، تحقيق عزيز الله عطاردی قوچانی، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
- سمعانی، عبدالکريم بن محمد تمیمی، الأساب، تحقيق عبدالرحمن بن يحيى المعلمی اليماني، حيدر آباد، مجلس دائرة المعارف الثمانية، ١٣٨٢ق.
- صدر، حسن، شيعه بنيانگذاران فرهنگ اسلام، ترجمه علي مشتاق عسکری، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨١.
- صدوق، محمد بن علي، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٧ق.
- صدوق، محمد بن علي، الخصال، تحقيق علي اکبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.
- صدوق، محمد بن علي، عيون اخبار الرضا، تصحيح حسين اعلمی، بيروت، مؤسسة الاعلمی، ١٤٠٤ق.
- صدوق، محمد بن علي، کمال الدين و تمام النعمه، تصحيح علي اکبر غفاري، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤٠٥ق.
- صدوق، محمد بن علي، معاني الاخبار، تصحيح علي اکبر غفاري، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٣٦١.
- صفدي، خليل بن ابيک، تحفه ذوی الالباب فيمن حکم بدمشق من الخلفاء و الملوك و النواب، تحقيق زهير حميدان و احسان خلوصی، چ دوم، سوريه، دار البشائر، ١٤١٩ق.
- طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، چ دوم، بيروت، دار التراث، ١٣٨٧ق.
- طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجايی و ميرداماد استرآبادی، قم، آل البيت، ١٤٠٤ق.
- عبد الحميد، صائب، معجم مورخى الشيعة: الامامية - الزيدية - الاسماعيلية، قم، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامي، ١٤٢٤ق.
- قمي، محمد بن حسن، العقد النضيد و الدر الفريد، تحقيق علي اوسط ناطقي، قم، دار الحديث، ١٤٢٣ق.
- کليني، محمد بن يعقوب، الکافي، تحقيق علي اکبر غفاري، چ پنجم، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣.
- گروه تاريخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاريخ تشيع، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مديريت حوزه های علميه خاوران، ١٣٨٩.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، ترجمه محاسن اصفهان، ترجمه حسين بن محمد آوى، اصفهان، سازمان فرهنگي تفريحي شهرداری، ١٣٨٥.
- مامقاني، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، تحقيق محي الدين مامقاني، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٣١ق.
- مزی، جمال الدين ابوالحجاج يوسف، تهذيب الکمال، تحقيق بشار عواد معروف، چ چهارم، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
- مسعودی، علي بن حسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقيق اسعد داغر، چ دوم، قم، دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
- مقدسي، محمد بن احمد، أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم، چ سوم، قاهره، مکتبه مدبولی، ١٤١١ق.
- مقدسي، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، تحقيق بور سعيد، بی جا، مکتبه الثقافة الدينية، بی تا.
- منتجب الدين بن بابويه، فهرست منتجب الدين، تحقيق سيد جلال الدين محدث ارموی، قم، کتابخانه آيت الله مرعشی نجفی، ١٣٦٦.
- مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسية، تحقيق عبدالعزيز الدورى و عبدالجبار المطبلى، بيروت، دار الطليعة، ١٩٧١م.
- ميرخواند، محمد بن خاوندشاه، تاريخ روضة الصفا، تصحيح جمشيد کيان فر، تهران، اساطير، ١٣٨٠.
- نجاشي، احمد بن علي، فهرست اسماء مصنفي الشيعة (رجال النجاشي)، چ پنجم، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٦ق.
- نمازی شاهرودى، علي، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران، فرزند مؤلف، ١٤١٤ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشيعه، تصحيح محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحيدريه، ١٣٥٥ق.
- نوبری، شهاب الدين احمد بن عبد الوهاب، نهاية الارب في فنون الادب، قاهره، وزارة الثقافة والارشاد القومي المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر، بی تا.
- يعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، تحقيق محمد امين ضناوی، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ق.